

اقتراح

اشاره

«کتاب سال و معیارهای انتخاب»، «عوامل ایجاد بازار سیاه کتاب» و «بهترین کتاب سال ۷۳» محورهای اقتراحی است از سوی دانشگاه انقلاب که در قالب یک فراخوان از اساتید و صاحبان مطرح گردید. با توجه به اهمیت موضوع، انتظار مشارکت گسترده مدعوین را داشتیم اما گویی برخی عوامل موجب شد که از پاسخهای اهل قلم و اندیشه کمتر بهره‌مند شویم.

کوشیدیم که فراخوانندگان اقتراح کتاب به گونه‌ای انتخاب شوند که پاسخها، یکسان نباشد و عرصه‌ای - هرچند نه چندان فراخ - برای تعاطی افکار و تضارب آراء در خصوص مسأله کتاب گسترده بشود.

برای اندکی پاسخهای اقتراح دانشگاه انقلاب می‌توان پیش‌فرضیهایی را در نظر آورد:

۱. «کتاب سال» به عنوان اساسی‌ترین رویداد علمی کشور به‌رغم تمام وجوه مثبت و مفید آن در شرایطی رخ می‌دهد که اهل رأی و اندیشه به خود مجال و نقد و بررسی آن را نمی‌دهند یا کمتر می‌دهند.

۲. مخاطبان اقتراح دانشگاه انقلاب بیشتر از اساتید دانشگاه بوده‌اند. گویی - مشغله‌های بسیار این جمع که احياناً برای تأمین معیشت است اجازه اختصاص زمانی برای مشارکت در این مهم را به آنان نداده است.

۳. کاستی‌های موجود در انتشار کتابهای ارزنده‌ای که مدعوین اقتراح را به وجد آورد و یا به نقد وادارد. موجب شده تا پرسش ما در خصوص کتابهای سال ۷۳ بی‌پاسخ بماند.

در زیر متن سؤالات و پاسخهای ارسالی را از نظر خواهید گذراند.

۱- به نظر شما، با توجه به آنچه در سالیان گذشته واقع شده، معیارهای اصلی انتخاب کتاب سال، چه بوده است؟ به عبارت دیگر اگر شما بخواهید کتابی را تألیف و یا ترجمه کنید که به عنوان کتاب سال برگزیده شود، کتاب مورد نظر مطابق شناخت شما از نظر داوران انتخاب کتاب سال، باید دارای چه خصوصیتی باشد؟ آیا فکر می‌کنید می‌توان معیارهای مشخصی را مطرح کرد که همه انتخابها براساس آنها توجیه و تبیین شود یا نه؟

۲- چه علل و عواملی در ایجاد بازار سیاه کتاب دخیل هستند؟ توضیح بفرمایید. آیا راه‌حل مناسبی برای رفع این عوامل به نظر می‌رسد؟ چگونه آن را بفرمایید.

۳- سه مورد از بهترین کتابهایی که در سال ۷۳ منتشر شده است، نام ببرید و بفرمایید که براساس چه معیارهایی این انتخاب را انجام داده‌اید؟

استاد احمد بیرشک:

۱. چون تاکنون کتابی را برای انتخاب کتاب سال به مرجع مربوط نفرستاده‌ام خودم از طرز فکر داوران اطلاعی ندارم، و بر پایه اظهار نظرهای دیگران که، باری از غرض خاص خالی نیست، اظهار نظر نمی‌توانم کرد. اما در مورد این سؤال که «اگر بخواهم کتابی را تألیف یا ترجمه کنم که به‌عنوان کتاب سال برگزیده شود از نظر داوران کتاب سال باید دارای چه خصوصیتی باشد...»، گمان می‌کنم در طرح سؤال دقت کافی نشده باشد به‌دلیل آنکه اگر من کتابی تألیف کنم که بتواند برای نامزدی انتخاب کتاب سال عرضه شود آن را با معیارهایی که خودم می‌پسندم تألیف می‌کنم و در این مورد که کتاب من از نظر داوران باید چه خصوصیتی داشته باشد اطلاعی ندارم، داوران رانمی‌شناسم؛ به طرز تفکرشان و نحوه برخوردشان با نوشته‌های دیگران آشنا نیستم، و اگر هم آشنا بودم خود را به مراعات نظر آنان ملزم نمی‌دانستم برای آنکه کتابم پذیرفته شود. استقلال فکر من برایم خیلی ارزنده‌تر است از اینکه جایزه به کتابم تعلق بگیرد یا نگیرد.

توضیح: در آنچه تا اینجا نوشته شده است مراد از «من» «من نوعی است» نه فقط نویسنده این سطور.

۲. معمولاً خودداری ناشران از تجدید چاپ کتابی که خواننده دارد و نسخه چاپ اولش مصرف شده است اما نه با چنان وضعی که امید مصرف سریع چاپ دوم را در مغز ناشر به‌وجود آورده باشد - یعنی نوعی سودجویی اما بکلی ناپسندیده. دلیل دیگر اخلاق سست و وجدان متزلزل بعضی از کتابفروشان پول پرست. بعضی کتابفروشان هستند که به «کتاب‌یاب» معروفند و وقتی کسی به کتابی نیاز پیدا کند که نایاب باشد آن را برایش پیدا می‌کنند و درحقیقت مشکل‌گشای اهل کتابند. اما در میان آنان کسانی هستند که شم قوی دارند و به‌مجرد آنکه احساس می‌کنند که کتابی آینده خوبی دارد به‌وسیله دست‌هایی که دارند نسخه‌های کتاب را جمع می‌کنند و در خانه خود پنهان می‌سازند و نسخه‌های آن را به سه و چهار برابر قیمت می‌فروشند. خانه اینان از دکه کتابفروشان معتبرتر است و بازارشان گرم و بستانکار حساب در بانک مطابق دلخواه. برای جلوگیری از این رفتار زشت راهی به‌نظر نمی‌رسد جز اخلاق و وجدان. متأسفانه در جامعه ما، مانند جامعه‌های دیگر بشری، معدود، اما نه خیلی معدود، افرادی هستند که نزدشان، به گفته فردوسی، سخنها به کردار بازی شده است؛ چنان‌تظاهر به دینداری می‌کنند که بر پیشانی‌شان جای مهر نماز پینه می‌بندد، و چنان از دین بری هستند که معبودی جز پول ندارند. دین بی‌اخلاق! فقط خانه و مدرسه می‌توانند ریشه این بی‌اخلاقی را بتدریج ضعیف کنند تا بخشکد. اما آیا در این راه گام می‌زنیم؟ معاذالله. دریغ است که این موریانه که جامعه ما را می‌خورد تا بعضی افراد طبقه‌ای که برای فردای ما «آدم» تربیت می‌کنند راه یافته است.

۳. در مورد جواب پرسش سوم سمند فکرم بیکباره لنگ است، چون نه در جای داوران نشسته بوده‌ام و نه در فکرشان راه یافته.

بهاء‌الدین خرمشاهی:

۱. در طول یازده دوره‌ای که کتاب سال در ایران برگزار شده، این مسأله هم از نظر داوران و هم دست‌اندرکاران دایره کتاب سال در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کمال اهمیت را داشته است که «داوری» را چگونه شکل دهند و آن را از صورت ذوقی و هنری و احساس و شهود داور به صورت مدون تر و عینی تر و مبنادارتر درآورند. در سالهای اول یعنی در ۵، ۶ دوره اول، ضوابط داوری چندان روشن نبود. البته داور درست و درستکار بدون ضوابط مدون و ملموس هم می‌تواند با همان عدالت سنجی و حقیقت‌یابی شهودی‌اش و شم قضاوتش درست عمل کند و حق را ناحق و ناحق را حق نکند. در ۵، ۶ دوره بعدتر که تا امروز و امسال هم ادامه دارد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کوشید که داوری را ضابطه‌مندتر و معیار و مبنادارتر کند و لذا فرمهایی برای داوری و باصطلاح شماره‌گذاری و امتیازدهی و بارم‌بندی وضع و تدوین کرد که داوری را از صوت کیفی و ذهنی محض به صورت کمی تر و درجه‌بندی شده و سنجیدنی تر و شاید عینی تر درآورد. در این فرمها فی‌المثل از اثر یک اثر یا یک مؤلف پرسش می‌شود و برای آن امتیازاتی در نظر گرفته شده است. یا همچنین کیفیت انعکاس کتاب‌شناسی، یا داشتن تعلیقات و تحقیقات افزون بر متن (مخصوصاً در مورد ترجمه‌ها و تصحیحا) و این نحوه تلقی طبعاً محاسنی دارد و باعث می‌شود که داور فقط ذوقی محض عمل نکند. اما در عین حال یک عیب و کژی و کاستی مسلم هم دارد و آن این است که داور بیش از اندازه صورت‌نگرا می‌شود و کافی است که فی‌المثل کتابی که شاهکار تألیف و ترجمه باشد، فقط به دلیل نداشتن فهرس، و یک ایراد بسیار کوچک دیگر، نمره قبولی نیاورد و داور از عملکرد خود در پر کردن فرمها در دل خود احساس تعجب کند. زیرا می‌بند قبل از پر کردن فرمها احساسش و برآوردش به نحو قطعی این بود که فلان کتاب از نظر او دارای امتیازات و کتاب سال است، ولی پس از پر کردن فرم می‌بند که کتاب قبولی‌را، رفوزه کرده است. به قول شاعر:

میان ابرو و چشم تو گیر و داری بود
من این میانه شدم گشته این چه کاری بود
یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد.

۲. از اینکه کتاب هم بازار سیاه دارد، صمیمانه خوشوقت و به آینده صنعت نشر امیدوارم زیرا این مسأله نشان می‌دهد که پس کتاب هم کالای ارزنده‌ای است و خریدار و خواستار دارد. خریدار و خواستاری که حتی حاضر است، چند برابر قیمت واقعی یا روی جلد برای یک کتاب بپردازد. از این نکته که بگذریم اصولاً بازار سیاه پیدا کردن یک کالا، مکانیسمی مانند گران شدن دارد. یعنی باعث هر دو، افزایش تقاضا و چربیدن آن بر عرضه است. وقتی که عده زیادی خواهان مثلاً رستم‌شواربغ یا تاریخ اجتماعی ایران هستند، طبیعی است که با توجه به محدود بودن زمینه آن، کتابفروشیها یا نایاب‌فروشیها آن را گرانتر عرضه می‌کنند. زیرا چوب آن را گرانتر هم می‌خرند. یک عده دیگر از کتابهایی که بازار سیاه دارند، کتابهای باصطلاح «ممنوعه» هستند، مانند فی‌المثل بیست و سه سان، یادوان

کامل عید زاکانی، یا ایرج میرزا. اما یک دلیل دیگر برای آنکه بنده بازار سیاه کتاب را پدیده‌ای مثبت تلقی کردم این است که تاریخه در آب است امید ثمری هست. یعنی امید آن هست که پس کتابهای نایاب مورد نیاز محققان، نیست و نابوده نیست، بلکه با قیمتی گرانتر از حد عادی بازار قابل بازیابی است. درست مثل اینکه اگر بازار سیاه دارو نبود، کسانی که بیماران بدحال یا جدی و وخیم دارند، به در دسر و بدبختی بزرگتری دچار می‌شدند. این ساده‌اندیشی است که بازار سیاه را فقط به طمعکاری و فرصت‌طلبی عده‌ای محدود نسبت دهیم.

فقط ملانصرالدین حاضر است کالایی را که زمینه‌اش کمیاب یا تقریباً نایاب است، به قیمت کالای عادی و موجود در بازار بفروشد. از همان مثالهای قبلی استفاده می‌کنیم. وقتی دیوان عید زاکانی، که ۲۵ سال پیش چاپ شده است، در بازار کم است، در این صورت طبیعی است که کسی که می‌خواهد آن را به بازار سیاه بفروشد، گرانتر مثلاً سه هزار تومان بفروشد، و طبیعی است که فروشنده بازار سیاه هم هزار تومان یا پانصد تومان از آن سود ببرد. پس پدیده بازار سیاه یک پدیده طبیعی و به ارزیابی بنده پدیده‌ای مثبت است.

۳. دو کتاب بسیار مهم در سال ۷۳ منتشر شده است که شناسنامه آنها (مندرج در پشت صفحه عنوان) حاکی از این است که این کتابها در سال ۱۳۷۲ چاپ شده است. این کتابها عبارتند از: «حافظ به سعی سایه» که تصحیح جدید و بسیار دقیقی از دیوان حافظ به کوشش ه. ا. سایه (هوشنگ ابتهاج) شاعر بزرگ معاصر و یکی از موسیقی‌شناسان نامدار این عصر. تصحیح دیوان حافظ یعنی حافظ به سعی سایه بر مبنای ۳۱ متن؛ ۱۶ متن متعلق به نیمه اول قرن نهم و بقیه متعلق به نیمه دوم قرن نهم یا پس از آن است. سایه به اکثریت نسخ یا اقدمیت نسخه‌ها و ضبط آنها به عنوان اصلی‌ترین یا قطعی‌ترین معیار توجه نکرده است. از نظر او هر عبارتی که صناعی‌تر و با اصول موسیقایی هم‌تراز است، احتمال صدورش از حافظ بیشتر است. بنده درباره این کتاب دو نقد و دو معرفی دارم. دو نقد عبارتند از: ۱. آفتابی در میان سایه‌ای که در نشریه نگاه نو شماره ۱۹ به طبع رسیده است. و ۲. دنباله همان نقد در گنجرخ شماره ۱۰ و هر دوی این نقدها را که در واقع یک نقد بلند سراسری است در تجدید چاپ (چاپ پنجم) کتاب ذهن و زبان حافظ که ان‌شاء... بزودی از سوی نشر معین انتشار می‌یابد، آورده‌ام. اما دو معرفی: یکی در کتاب حافظ است به قلم نگارنده این سطور که از سوی طرح نو، جزو سلسله بنیانگذاران فرهنگ امروز منتشر شده است و دیگری یک برنامه ۱۵ دقیقه‌ای تلویزیونی، که قرار است در آینده نزدیک در برنامه هنر و اندیشه شبکه دوم پخش شود. در یک کلام حافظ به سعی سایه، مهمترین و سنجیده‌ترین تصحیح دیوان حافظ است، چه از نظر متون مبنای، چه از نظر روش تصحیح. کتاب دوم، المعجم المفهرس لافاظ احادیث بحار الانوار، یعنی فهرست الفاظ احادیث بحار الانوار ۱۱۰ جلدی علامه مجلسی است. این فهرست به همت آقای علی‌رضا برازش و با همکاری یک تیم (مشکل از بیش از ۱۵۰ نفر) با استفاده از کامپیوتر در ۳۰ جلد در ۲۲۷۰۰ صفحه انتشار یافته است

و هر حدیثی را با دانستن ولو یک کلمه از آن می‌توان در کمتر از یک دقیقه در بحارالانوار ۱۱۰ جلدی پیدا کرد. به تعبیر و ارزیابی بنده این بزرگترین فهرست بر بزرگترین کتاب یا دایرةالمعارف کهن تشیع است.

سومین کتاب مهم که در سال ۱۳۷۳ انتشار یافت، ترجمه قرآن کریم به قلم استاد سید جلال‌الدین مجتبوی، با ویرایش آقای حسین استادولی است، که از سوی انتشارات حکمت انتشار پیدا کرد. این ترجمه یکی از بهترین و دقیقترین ترجمه‌های فارسی قرآن مجید است.

■ دکتر سیدجعفر شهیدی

چنانکه اطلاع دارید کتاب‌های سال به وسیله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتخاب می‌شود و مسلم است آن وزارت ضابطه‌هایی دارد. من در انتخاب کتاب سال دخالتی ندارم بدین رو نمی‌توانم درباره معیار گزینش نظری بدهم.

■ دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی

در سؤال اول، این مسأله مطرح شده که معیارهای اصلی انتخاب کتاب سال چیست. پرواضح است که یک کتاب خوب براساس موضوع و محتوای آن می‌تواند معیارهای متفاوت داشته باشد مثلاً کتاب‌های فلسفی معیارهای مخصوصی دارد که ممکن است با معیارهایی که برای یک کتاب علمی به معنای جدید کلمه در نظر گرفته می‌شود متفاوت باشد. این سخن در مورد کتاب‌های دینی و ادبی نیز صادق است برای تعیین معیارهای درست در هر رشته از رشته‌های علوم و معارف باید از نظریات صاحب‌نظران و متخصصان همان رشته استفاده شود به این ترتیب تعیین معیارهای اصلی برای یک کتاب خوب چندان مشکل نیست و اگر از صاحب‌نظران در رشته‌هایی که کتاب در آن رشته تألیف می‌شود مشورت به عمل آید موازین و معیارها به دست می‌آید آنچه این مسأله را بیشتر با مشکل مواجه می‌سازد این است که در انتخاب داوران دقت کافی به عمل می‌آید تردیدی نمی‌توان داشت که وقتی داوران از صلاحیت کافی برخوردار نباشند و یا این که بنا به دلالتی که جای ذکر آن در اینجا نیست کار دآوری را جدی تلقی نکنند انتخاب کتاب خوب به عنوان کتاب سال امکان‌پذیر نبوده و حتی می‌تواند یک فاجعه فرهنگی را به دنبال داشته باشد. در سال‌های گذشته کتابی را خوانده بودم و با خود می‌اندیشیدم که ممکن است آن کتاب به عنوان یک کتاب خوب معرفی شود البته این فقط یک اندیشه بود و آن کتاب به عنوان یک کتاب خوب انتخاب نشد برحسب تصادف با یکی از داوران آن کتاب افتخار آشنایی داشتم وقتی درباره علت عدم انتخاب آن کتاب از آن داور محترم که شخص بسیار شریفی نیز هست سؤال کردم؛ در پاسخ گفت: مؤلف آن کتاب آدم پرهیزگاری نیست. سماجت کردم و پرسیدم آیا شما به کتاب نمره می‌دهید یا به کاتب. بلافاصله گفت: در نظر من کتاب از کاتب

جدا نیست. پاسخ البته پاسخ قابل تأملی است زیرا واقعاً می‌توان پذیرفت که کاتب از کتاب خود جدا نیست و کتاب چیزی جز ظهور اندیشه کاتب نیست شخصیت هر کس را در گفتار و کردار و نوشتار او می‌توان مشاهده کرد ولی در عین حال باید گفت این پاسخ قانع کننده نیست زیرا اگر چنین است و کاتب را نمی‌توان از کتابش جدا ساخت باید به طور رسمی اعلام گردد که جایزه کتاب سال، تنها به کتاب تعلق نمی‌گیرد بلکه شرایط و شخصیت کاتب نیز منظور می‌گردد در حالی که آنچه واقع می‌شود این نیست و در اعلامیه‌های رسمی کتاب برنده جایزه شناخته می‌شود. در مورد سؤال دوم از عوامل بازار سیاه کتاب سخن به میان آمده است. به نظر می‌رسد این سؤال را باید کسانی پاسخ گویند که در کار نشر و بازار کتاب دستی دارند و از اوضاع اقتصادی اطلاع کافی دارند. در مورد سؤال سوم پرسیده شده سه مورد از بهترین کتاب‌های سال ۷۳ را نام ببرم از پاسخ به این سؤال معذورم و شما می‌توانید به آسانی پاسخ این سؤال را از منابع اصلی بدست آورید در هر حال به نظر این بنده در کار انتخاب کتاب سال باید کار داوری جدی گرفته شود و حساب کاتب و کتاب نیز معلوم و روشن شود اگر بناست شخصیت کاتب در انتخاب کتابش دخیل باشد باید قبلاً اعلام شود و اگر بناست کاتب در کتاب دخالت نداشته باشد، داوران آنها را با یکدیگر مخلوط نکنند.

■ دکتر یوسف صمدی علی‌آبادی

۱. اینجانب باید اذعان نمایم که با کتابهایی که در چند سال اخیر به عنوان کتاب سال انتخاب شده‌اند آشنایی زیادی ندارم. همین قدر می‌دانم که چنین رسمی هست و هر سال کتابهایی را به عنوان کتاب سال انتخاب و به مؤلفین یا مترجمین آن جوایزی نیز اهدا می‌نمایند. در مورد معیارهای انتخاب کتاب سال در هر رشته نیز تصور نمی‌کنم بتوان چیزی فراتر از کلیاتی که کم و بیش شما هم با آنها مسلماً آشنایی دارید پیشنهاد نمایم. اگر کتابی ترجمه است لابد حداقل امر این است که ترجمه باید نه تنها تطابق با اصل را رعایت نماید بلکه می‌بایست برای خواننده فارسی زبان نیز قابل فهم و درک باشد. کتابهای تألیفی نیز حداقل بایستی از چنان کیفیتی در امر تحقیق برخوردار بوده باشد که در زمینه خود بتوان آن را به عنوان خدمتی و کمکی در ارتقاء فرهنگ موجود به حساب آورد. اینها هم البته گنگ و کلی هستند و به طور دقیق مسأله‌ای را نه روشن می‌کنند و نه به حل آن کمک مؤثری. لیکن شاید بی‌مورد نباشد اگر تجربه خود را در زمینه انتخاب کتابهای نمونه با شما در میان بگذارم. اینجانب حدود ۶ سال مسئولیت اجرایی انتخاب بهترین کتاب را در هر سال در زمینه فلسفه علم (در سطح بین‌المللی) در انگلستان به عهده داشتم. جایزه‌های معادل ۱۰ هزار پوند انگلیسی از طرف مؤسسه‌ای در اختیار مدرسه علوم اقتصادی و سیاسی لندن London School of Economic (وابسته به دانشگاه لندن) از سال ۱۹۸۶ قرار گذاشته شده است تا به یادبود فیلسوف مرحوم علم ایمره لاکاتوش هر سال به بهترین کتاب در این رشته اهدا شود. کمیته‌ای ۶ نفری از برجسته‌ترین استادان این رشته تشکیل شده است که

مسئولیت انتخاب و اهداء جايزه را در هر سال به عهده دارد (رياست اين كميتۀ با استاد اينجانب جان واتكينز است كه از همكاران قديمي لاکاتوش در همين مدرسه مي باشد). اين كميتۀ از طريق دعوت از سرشناس ترين خيرگان فلسفه علم در سراسر دنيا هيأتی ۱۵ نفره را به عنوان گروه مشاور تشكيل داده است. شرايط نامزدی برای اين جايزه به اين ترتيب است كه حداقل سه نفر از اساتيد دانشگاهها در سرتاسر جهان بايستی يك كتاب را (كه به زبان انگليسی تأليف شده است) برای اين جايزه نامزد کرده دلایلی نیز برای اين نامزدی ارائه دهند. در پايان هر سال مجموعه كتابهایی كه نامزد شده اند به هر يك از مشاوران كه در زمينه هر يك از كتابها تخصصی دارند ارسال می شوند و از آنها خواسته می شود كه نظر خود را درباره آن كتاب بخصوص و همچنين ارزش آن در مقايسه با ساير نامزدها ابراز دارند. در اين خصوص آنچه بيشتر مورد نظر قرار دارد اين است كه تشخيص داده شود هر كتاب از چه كيفيت تحقيقي برخوردار بوده و آیا می توان آن را در مقايسه باكارهایی كه در زمينه بخصوص آن كتاب تا به حال انجام شده است قديمی تر يا معتبر تر به حساب آورده يا نه. اگر چنانچه هيچ يك از نامزدها دارای چنين خصوصيتی نباشند البته يك داور می تواند نظر خود را مبني بر اينكه كتابی شايسته جايزه در آن سال نمی باشد ابراز دارد. در پايان آراء و نظريات تمامی مشاوران جمع آوری شده، مورد بررسی كميتۀ ۶ نفری قرار می گيرند. اگر اين كميتۀ توانست كتاب يا كتابهایی را شايسته دريافت اين جايزه انتخاب نمايد (باتوجه به بررسی آراء مشاوران) كتاب به عنوان بهترين كتاب سال انتخاب شده و جايزه بدان تعلق می گيرد. اگر نه در آن سال جايزه به كتابی اهدا نخواهد شد (تا به حال در حداقل چهار مورد اين جايزه توسط دو نويسنده در هر سال رבוده شده است كه مقدار آن را بين آنها تقسيم می کنند).

۲. در مورد بازار سياه كتاب در ايران اينجانب هيچ اطلاع از كم و كيف آن ندارم. همين قدر به نظرم می رسد كه شايد دلایل وجود اين بازار مانند دلایل وجود بازار سياه در مورد ساير كالاهای مورد نیاز بوده باشد. چنانچه كالایی با قيمتی به بازار ارائه شود كه تقاضا برای آن به حدی وجود دارد كه در قبال آن حاضر به پرداخت قيمتی بيشتر از قيمت مثبت آن کالا می باشند، طبعاً چنين بازار سياهی برای آن کالا ايجاد می شود. يعنی فروشنده برای سود بيشتر از ارائه آن کالا به قيمت مثبت و تعيين شده سرباز می زند و آن را به هر قيمتی كه تقاضا برای آن کالا تعيين می کند ارائه می نمايد. بنابراین شايد یکی از دلایل وجود بازار سياه برای كتاب نیز همين باشد كه قيمتی كه برای آن تعيين می شود قيمت طبيعيی كتاب نبوده و كمتر از قيمتی است كه متقاضيان در قبال آن حاضر به پرداخت می باشند.

۳. در اين مورد بايد اذعان نمايم كه هنوز كتابی كه در سال ۷۳ چاپ شده باشد و بتوان آن را به عنوان بهترين كتاب سال (لااقل در زمينه های فلسفی) انتخاب نمايم به دستم نرسیده است. مسلماً اگر ترجمه ای وجود داشته باشد كه از یکی از آثار كلاسيك و عمده (كه جایش در فرهنگ ما خالی می باشد) صورت گرفته باشد، آن ترجمه را بايد بررسی كرد و اگر تشخيص داده شود كه از حيث

مطابقت با متن اصلی و همچنین برخورداری از زبان قابل فهم برای کتابخوانان فارسی زبان اثری مطلوب می‌باشد، آن را می‌توان نامزدی در حوزه ترجمه به حساب آورد. در حوزه تألیف نیز اگر اثری باشد که از نظر کیفیت تحقیق و تحلیل مسایل از سایر کتابهای موجود به زبان فارسی قدمی فراتر رفته است و جایی خالی را پُر نموده است، می‌توان آن را به عنوان نامزد کتاب سال مورد بررسی قرار داد.

از اینکه بضاعت اینجانب اجازه نمی‌دهد که جوابهایی دقیق‌تر و روشن‌تر در مورد سؤالهای شما تقدیم دارم پوزش می‌طلبم. امیدوارم که در انجام خدمات فرهنگی‌ای که متقبل شده‌اید مؤید و موفق باشید.

■ دکتر غلامعباس توسلی

۱. این سؤال خود مرکب از چندین پرسش فرعی است یکی آنکه معیارهای اصلی انتخاب کتاب سال چه بوده است که بطور مشخص برای من روشن نیست ولی مسلماً چنین معیارهایی وجود داشته. اما در اینجا مهم وجود معیار نیست بلکه چگونگی اعمال معیارها است. ثانیاً درک کیفیت و ارزش یک کتاب و سوم داوران کتاب هر چند که نارسائی و نقصان داشته باشد به انتخاب صحیح کتب لطمه وارد می‌سازد. علاوه بر آن سلیقه داوران نقش دارد و دیگر آشنائی‌ها و روابط در ایران بسیار نقش بازی می‌کند. باید واقعاً افراد خیره و اهل فن و بی‌طرف را پیدا کرد و گرنه حق ناحق می‌شود. در چند سال اخیر به ترجمه بیش از تألیف اهمیت داده شده و به نظر نمی‌رسد که حق به حق دار رسیده باشد. کتاب سال، خوب و آنچنان که باید باشد انتخاب نشده است. در بسیاری از موارد افراد برجسته رشته‌ها شرکت نداشته‌اند این کارها باید به فرهنگستان واگذار شود یا به انجمن‌های علمی یا ضوابط دقیق و اعلان شده‌ای در نظر گرفته شود ولی در شرایط حاضر اکثر افراد گله دارند که بخوبی انجام نشده است. اینکه کتاب باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد، اولاً یک سلسله ویژگی‌های عام هست که در هر کتابی باید وجود داشته باشد، نظم، درستی مطالب، ارجاعات صحیح، بیان دقیق و شیوا، منابع و مآخذ، فهرست‌های مختلف حجم و اندازه مناسب، محتوای غنی و غیره ...

اما دو مسأله مهم هست که عام نیست، یکی قوه ابلاغ و ابتکار و درجه بداعت مطلب و تازگی و نوآوری و در ضمن مفید بودن کتاب و دوم ارزش بالاتر داشتن در مقایسه با سایر کتب مشابه و پیشنهادی.

۲. در مورد عوامل دخیل در بازار سیاه کتاب باید گفت: معلوم است که در درجه اول سودجویی (مانند هر کالای دیگر) ناشران و توزیع‌کنندگان و رفع کمبود کاغذ و عدم چاپ به موقع کتب. مسلم است اگر کمبود کاغذ و سایر امکانات برطرف شود و گرانی و تورم فروکش کند شاید بازار سیاه از بین برود اگر چه همواره سودجویانی وجود خواهند داشت که به بازار سیاه و «احتکار» دامن بزنند اما

کتاب در سراسر جهان گران است و با درآمدهای موجود سازگاری ندارد و در آینده وضع بازار مشکل تر خواهد شد. امید است این مشکلات برطرف شود.

■ محمد رجبی

۱. آنچه تاکنون بارز بوده آنکه متأسفانه برخی ملاحظات سیاسی - به معنای عام کلمه - در تعیین کتاب‌های سال نقش داشته است.

انتخاب همه ساله کتب افراد مشهور و مؤسسات ذی نفوذ - مثل مشترک انتشارات علمی و فرهنگی - برای همگان به صورت عادت درآمده است، زیرا صورت و معنای آثار برگزیده هرگز چنان انتخابی را اقتضا نمی‌کند از طرفی نفوذ برخی از ویراستاران و دست‌اندرکاران نشر به هیأت داوران کتاب سبب گردیده تا افراد بخصوصی از جرگه خاصی به نوبت برنده جایزه کتاب سال باشند! بهترین کار برای انتخاب عادلانه و عالمانه آن است که قبلاً کلیه ضوابط مورد نظر برای گزینش هر نوع کتاب اعلام گردد و از ناشران خواسته شود که دلایل خود را مبنی بر امتیاز اثر انتشار یافته در جدول مخصوصی بیان دارند. سپس در پایان هر دوره مجموعه این اطلاعات با ذکر نام هر کتاب در گزارش تفصیلی مکتوب و توزیع شود تا جامعه کتابخوان کشور عملاً در جریان وضع موجود کتب و انتخاب کتاب سال قرار گیرد و بر صحت و دقت نظر داوران گواه باشد.

معیارها می‌تواند فقدان اغلاط (املائی، انشائی، چاپی)، صحت مطلب، بلاغت، نوآوری و عدم تکرار موضوع، منابع و مآخذ در کتب تخصصی باشد و در خصوص شرکت عمومی هم علاوه بر ملاکهای مزبور، وسعت قلمرو استفاده در سطوح مختلف سنی و شغلی نیز مطرح نظر قرار گیرد.

۲. فساد مالی و سیاسی تشکیلات توزیع کتاب در بخش خصوصی و تنگ‌نظری‌های شبکه‌های مشابه دولتی موجب بازار سیاه کتاب است.

حمایت مستقیم وزارت ارشاد از بخش توزیع می‌تواند با ایجاد تعاونی توزیع ناشران و مؤلفان و نیز توسعه نمایشگاه‌های موسمی در استان‌ها و شهرستان‌ها با هزینه نازل، به این وضع پایان دهد.

۳. در مورد بررسی کتاب سال ۷۳ متأسفانه هنوز به نتیجه مشخص نرسیده‌ام.

■ دکتر ابوالقاسم قلم‌سیاه

من متأسفانه (در واقع خوشبختانه) در جریان پرسشهایی که در این نامه مطرح شده است نبوده و نیستم، ولی تا جایی که کسب اطلاع کرده‌ام و به نظرم می‌رسد مطالبی به عرض می‌رسانم:

۱. راجع به معیارهای اصلی انتخاب کتاب سال، به طوری که اطلاع یافته‌ام دو مرجع، یکی در دانشگاه تهران و دیگری در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عهده‌دار برگزیدن کتاب سال است (و شما خود بهتر از من به این امر واقف هستید و اگر جای دیگری نیز باشد من بی‌اطلاعم). کسانی که

کتابها را تألیف یا ترجمه می‌کنند، یا ناشران آنها نسخه‌هایی از کتاب‌ها را به این مراجع می‌فرستند. بدیهی است این مراجع ضوابط و مقرراتی دارند که براساس آنها هر کتاب را ارزشیابی می‌کنند. روش ارزشیابی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را نمی‌دانم ولی از کسانی که مطلع بوده‌اند پرسیده‌ام در دانشگاه تهران هر کتاب مورد ارزشیابی را به یک یا دو نفر (و احياناً سه نفر) می‌دهند که طبق ضوابط درباره آن داوری و اظهار نظر کنند. من از مقررات و ضوابط آنان اطلاعی ندارم ولی آنچه در مورد برگزیدن کتاب سال به نظر می‌رسد اینست که ضوابط اصولاً به دو دسته: ضوابط عمومی و اختصاصی تقسیم می‌شوند.

ضوابط عمومی آنهایی هستند که در مورد انتخاب هر نوع کتاب، اعم از معارف، علمی، ادبی، اقتصادی و یکسان است از جمله:

- اعتبار و شهرت منابعی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند.
- مفید بودن مطالب کتاب برای جامعه کتابخوان.
- استقبال مردم از کتاب.
- رعایت کامل قواعد و دستور زبان فارسی در جمله‌نویسی و سلاست و قابل درک بودن مطالب، به طوری که خواننده بتواند به آسانی مطالب را درک کند و به خواندن آن کتاب رغبت نشان دهد.

ضوابط اختصاصی شامل نکات و مقرراتی است که هر یک از مرجعهای برگزیننده کتاب سال برای خود دارند.

در مورد ترجمه کتاب از یک زبان خارجی به فارسی باید:
اولاً، ترجمه کننده به موضوع مورد ترجمه کاملاً واقف باشد.
ثانیاً، با حفظ امانت کامل آن را براساس قواعد دستور زبان به فارسی برگردانده باشد. به طوری که خواننده فارسی زبان هدف نویسنده اصلی را در قالب جملات فارسی بیابد. به عبارت دیگر، ترجمه او گویا باشد و کتاب ترجمه شده مورد استفاده قرار گیرد.

ثالثاً، کتاب اصلی که به فارسی ترجمه می‌شود دارای ارزش و اعتبار موضوعی باشد.
متأسفانه من خود کتابهای علمی ترجمه شده برگزیده‌ای (به عنوان کتاب سال) دیده‌ام که در جمله‌بندی صحیح فارسی نقص فراوان دارند.

برای پی بردن به اینگونه نقص‌ها نباید به نظر یک یا دو نفر نظر دهنده اکتفا کرد. کتاب باید در یک شورای گزینش به دقت مورد تحلیل قرار گیرد و همه جوانب آن بررسی شود تا عاری از هرگونه چون و چرا باشد.

۲. راجع به اینکه چه علل و عواملی در ایجاد بازار سیاه کتاب دخیل هستند، باید به عرض برسانم که این پرسش را دست‌اندرکاران کتاب، یعنی ناشران و توزیع کنندگان و فروشندگان باید پاسخ دهند.

آنچه مسلم است اینست که کتابهای مورد نیاز دانشجویان، مانند کتابهای دروس عمومی که تعداد چاپ شده آنها تکافوی تعداد دانشجویان را نمی‌کند و همچنین کتابهایی که مورد استقبال مردم قرار گرفته‌اند و می‌گیرند به بازار سیاه کشیده می‌شوند. در مورد کتابهای درسی، بهتر اینست که به تعداد کافی چاپ شوند و در اختیار دانشگاهها و مراکز فروش جهاد دانشگاهی گذاشته شوند تا دانشجویان به راحتی بتوانند آنها را به قیمت پشت جلد خریداری کنند.

۳. در مورد بهترین کتابهای سال ۷۳، چون من در انتخاب کتاب شرکت نداشته‌ام و ندارم و معیارهای انتخاب را نمی‌دانم متأسفانه نمی‌توانم پاسخ دهم. در آرزوی توفیق الهی برای جنابعالی و همکاران گرامیتان.

■ دکتر علی موسوی

در پاسخ به سؤال یک که در زمینه معیارهای انتخاب کتاب سال است باید گفت، آنچه همگان می‌دانیم این است که کتاب سال را وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی «گرینش» و «انتخاب» می‌کند. و معیارهای آن نیز به صورت «رسمی» به سمع و نظر عموم رسیده است. مع الوصف، روند انتخاب کتاب سال در این سالها گویای دخالت داشتن متغیرهای دیگری در فرآیند انتخاب کتاب سال است. از جمله این متغیرها می‌توان از مسایل سیاسی، عدم تفکیک اثر از به وجود آورنده اثر، اعمال سلیقه‌های شخصی یا گروهی، عدم شایستگی برخی از داوران و ... نام برد. در مورد سؤالهای دوم و سوم آمادگی لازم جهت پاسخگویی را ندارم.